



ابقای محمدرضا فرزین در بانک مرکزی

رئیس جمهور، با صدور حکمی محمدرضا فرزین را به سمت رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان رئیس جمهور، با صدور حکمی محمدرضا فرزین را در ریاست کل بانک مرکزی ابقا کرد. در حکم رئیس جمهور آمده است: با عنایت به مصوبه جلسه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۰۸ هیئت وزیران و در اجرای بندهای «۲» و «۳» مصوب مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص نحوه اداره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حکم جناب عالی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تا پایان دوره تایید و تنفیذ می گردد. امید است با اتکال به خداوند متعال و در چارچوب قانون اساسی، اهداف سند چشم انداز و سیاست های کلی مصوب مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با رعایت منشور اخلاقی کارگزاران دولت چهاردهم و تعامل با هیئت محترم وزیران در تحقق اهداف دولت و حل مشکلات کشور مجدانه بکوشید. توفیقات آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند سبحان خواستارم.



مذاکره برای تجارت بزرگ گاز

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از شروع مذاکرات جدی بین ایران و روسیه در خصوص تجارت گازی دو کشور خبر داد و گفت: هنوز جزئیات میزان واردات گاز از روسیه و نحوه انتقال و تحویل آن نهایی نشده است. به گزارش تسنیم، سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران اظهار داشت: بر اساس پیش بینی سازمان هواشناسی که از ابتدای آبان هم مشاهده شد، زمستان امسال نزدیک به ۴ درجه سردتر خواهد بود و این به معنای افزایش ۱۰۰ میلیون مترمکعبی مصرف روزانه گاز کشور است. او افزود: هرچه مصرف در بخش خانگی بیشتر شود، مجبوریم تحویل گاز به صنایع و نیروگاه ها را محدودتر کنیم و سوخت معادل بیشتری به آنها تحویل دهیم. معاون وزیر نفت خاطر نشان کرد: بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز ناترازی گاز داریم که باید با تحویل سوخت معادل به نیروگاه ها و صنایع جبران شود.



بودجه ۱۴۰۴ ۳۰ درصد تورم دارد

با توجه به دلایلی مانند افزایش ۲۸ درصدی حقوق کارکنان و ارتقای ارزش ترجیحی، قطعاً شاهد تورم قابل توجه و بالای ۳۰ درصدی در سال آتی خواهیم بود. بهروز محبی نجم آبادی عضو کمیسیون برنامه بودجه و محاسبات مجلس در گفت و گو با مهر در توضیح لایحه بودجه ۱۴۰۴ و استدلالات کارشناسی پیرامون آن مبنی بر احتمال کسری بودجه، اظهار کرد: کسری بودجه همیشه در کشور وجود داشته اما تلاش دولت چهاردهم این بوده است که منابع واقعی را به صورت یکجا در بودجه مورد اشاره قرار دهد و مصارف را نیز تعریف کند. او تأکید کرد: قطعاً پیشنهاد این میزان از اوراق با افزایش ۲۳۳ درصدی نسبت به سال های گذشته، به این دلیل بوده است که احکام و قوانینی که مجلس برای دولت تعیین می کند را اجرا کرده باشد. بودجه مبتنی بر برنامه هفتم توسعه ارائه شده و بسیاری از احکام توسعه در آن مورد توجه قرار گرفته است.

گفتار اقتصاد



وفاق راه غلبه بر بحران

گفتاری از محسن رنانی درباره دولت چهاردهم و نسبت آن با مساله توسعه

از کار افتادن عقل ابزاری

جعفر خیر خواهان بحث را چنین آغاز کرد که در شریاطی که دولت پزشکیان ناگهانی به قدرت رسید و اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری با انواع مشکلات و چالش های جدی و جدید روبه رو است، مهمترین موانع داخلی و خارجی و اقتصادی-سیاسی که دولت چهاردهم با آنها مواجه است کدام هستند و در همین راستا عوامل موفقیت دولت چهاردهم منوط به ایجاد چه زمینه ها و تحقق چه پیش شرط هایی است؟

خیر خواهان بقیه سوالات خود را بدین شرح، مطرح کرد که دولت پزشکیان در یک افق ۴ ساله و ۸ ساله برای موفقیت و پیشبرد اهداف کلی خود از قبیل رشد اقتصادی بالا، کاهش تورم و برقراری عدالت اجتماعی چه کارهایی می تواند و باید بکند و چه فرصت ها و امکانات جدیدی در اختیار دارد یا که می تواند از آنها بهره مند شود؟ خیر خواهان در پایان با نگاهی به تجربه دولت های گذشته و نیز عین شدن تحریم ها با اقتصاد، شکاف دولت-ملت، تضعیف مشارکت اجتماعی، اعتماد و همراهی مردم، سوال کرد که درس های اقتصاد سیاسی مهمی که می توان برای کمک به دولت پزشکیان گرفت چیستند؟

محسن رنانی که معتقد بود تجربه شکست ها و اشتباهات فرولان در چند دهه گذشته، کمک می کند که قصه خوب را با توجه به خطاهای قبلی ساخته شود، در ادامه گفت: متأسفانه عقل ابزاری از کار افتاده است؛ عقل معنایی هم زمانی به کار می آید که اطلاعات کافی نیست و فرد به کمک شهود خود، تصمیم گیری می کند. نه این که اطلاعات را بررسی کرده و به نتیجه متقن برسد. مثلاً در ازدواج به عقل معنایی خود پناه می بریم چرا که اطلاعات کافی نیست؛ هرگز نمی توانیم متوجه شویم آیا حافظه ژنی فردی سابقه بیماری های روانی دارد یا خیر. بنابراین، به شهودی نظیر تصمیمات، فرهنگ خانواده و چهره، بسنده خواهیم کرد و این شهود ماست که توضیح می دهند یک فرد برای فرد دیگر مناسب است یا نیست؛ جایی که اطلاعات ما کم است، ناگزیر به شهود پناه می بریم.

رنانی که توضیح داد همین مسئله عیناً در زمان تصمیم گیری

یک فعال اقتصادی هم انجام می شود، گفت: زمانی که نااطمینانی به سطح پیچیده می رسد، به عقل معنایی پناه می بریم. مثلاً فرد می گوید چقدر وام یا زمین در ازای چیزی به ما می دهند و تصمیم گیری می کند؛ اما زمانی که یک افق مشخص وجود ندارد، هیچ یک از این امتیازها، معنادار نیست. در واقع، زمانی که اقتصاد به سمت عدم اطمینان پیچیده می رود، بازیگران هم به سمت استفاده از عقل معنایی می روند. از سوی دیگر هم اقتصاد برای عقل ابزاری نوشته شده است و نه عقل معنایی. زمانی که یک جامعه به سطح نااطمینانی بسیار می رسد، عقل ابزاری دیگر وجود ندارد. به همین دلیل در نظر خواهی که از کارآفرینان شده است، ۹۰ درصد کارآفرینان گفته اند که به اقتصاد ایران امید ندارند. این افراد به دلیل نااطمینانی در عقل ابزاری شان، اختلال به وجود آمده است. عقل ابزاری، مختل شده چرا که عقل ابزاری، نیاز به چشم انداز دارد.

نظریه ها پاسخ نمی دهند

این اقتصاددان یادآوری کرد: زمانی که به ما می گویند چرا با استفاده از نظریه های اقتصاد به پرسش ها جواب نمی دهید؟ می گوئیم چون اقتصاد جوابی به ما ندارد و کاملاً بدون کاربرد شده است. اکثریت مردم عقل ابزاری را در زندگی خود استفاده می کنند. کارآفرینی که می خواهد پروژه ۳۰ ساله داشته باشد نمی تواند از عقل ابزاری خود استفاده کند. هر چقدر افق تصمیم گیری، بلندمدت و طولانی تر باشد، عقل ابزاری متوقف می شود؛ چرا که هر چه افق طولانی تر باشد، افراد مجبور به استفاده از عقل ابزاری هستند. کسی که نتواند تصمیم بگیرد، هم نهایتاً استخاره می کند یا شیر و خط می اندازد که مسئولیت را از سر خود بردارد. اقتصاد ما از زمانی که برجام شکست خورد، وارد فاز عدم اطمینانی پیچیده شد. بخش اعظم روندهای بهبودی که در ۳۰ سال قبل آغاز شد، از سال ۱۳۹۶ به بعد نزولی شد. از سال ۱۳۹۶، در دوران ریاست جمهوری هر دو فرد، آقای روحانی و رئیسی روندهای بهبود همه نزولی شدند.

در سال ۱۳۹۶ به بعد همه شاخص هایی که عموماً مورد بهبود بودند همگی نزولی شدند. در هر دو دوران ریاست جمهوری پیشین، اقتصاد نزولی است و در شاخص های اقتصاد دچار هشدار هستیم. اگر توسعه را تبدیل به شش طبقه کنیم، ما در طبقه دوم و در زمان هشدار هستیم از ۳۷۶ شاخص توسعه، حدود ۱۹۰ شاخص کشور فرمز شده است؛ حدود ۱۰۰ شاخص سفید و تنها بقیه شاخص ها سبز هستند. ما کاملاً کمتر از میانگین جهان در این شاخص ها تلاش کردیم. شاخص های سفید به این معناست که وضعیت ما، همسطح و حول میانگین جهانی است؛ این یعنی وضعیت ما خوب نیست اما خطرناک هم نیست. شاخص های سبز هم بدان معناست که میانگین شاخص جهانی از میانگین های موجود در کشور، پایین تر هستند. زمانی که یک فرد رانندگی می کند، ۲۷۶ شاخص به مثابه آمپرسنج داریم که اگر یکی از این شاخص ها فرمز شوند باید مشکل را بررسی کرد اما در اقتصاد ما حدود ۱۹۰ شاخص فرمز است و راننده همچنان به رانندگی خود ادامه می دهد. این شاخص ها که فرمز است، عقلانیت و کارآفرینی اقتصادی را مختل کرده است. عقلانیت مختل شده؛ چرا که در مرحله نااطمینانی پیچیده کشور هستیم.

این اقتصاددان همچنان یادآوری کرد: در زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی، این نوع ریسک، ریسک معمول بود و این ریسک در دوران آقای خاتمی، تبدیل به ریسک نامعقول شد چرا که دعوای سیاسی بیشتر شد. مجلس ششم، اعتصاب کرد و استعفا داد؛ همه این ها، ریسک است. در زمان آقای احمدی نژاد هم بالاخره عدم اطمینان داشتیم؛ مهم ترین دستاورد ریاست جمهوری ایشان، عدم اطمینان بود؛ اما مسئله اینجاست که این نااطمینانی تا پایان برجام، یک عدم اطمینان ساده بود ولی بعد از پایان برجام، نااطمینانی ساده تا زمان قبل از شکست برجام نااطمینانی ساده بود اما بعد از شکست برجام، دچار نااطمینانی پیچیده شدیم.

رنانی معتقد است که توسعه فردی، سیاسی، اجتماعی و فردی همگی جزو معضل هایی هستند که باید به آن ها توجه شود. وی در ادامه گفت: در سال ۱۳۹۹ تصمیم گرفتیم سالانه یک کتاب توسعه بنویسیم؛ در سال ۱۳۹۹ گزارش سفر ما و امسال گزارش دو منتشر شد که در این کتاب، شاخص ها را برای سال جدید مقایسه کردیم. البته که این اقدام، وظیفه ما نیست اما سازمان برنامه و بودجه درگیر بودجه است و به همین دلیل سازمان های مردم نهاد این کتاب را نوشته اند.

این کارشناس اقتصادی اضافه کرد: از زمانی که برجام شکست خورد، عدم اطمینان در اقتصاد ایران سلبه افکند؛ منظور از عدم اطمینان پیچیده باعث شد عقلانیت در سرمایه گذاری که باید ریسک های بلندمدت ۱۰ یا ۲۰ ساله را مدیریت کند، مختل شود. اگر یک مرور سریع کنیم، در دوره آقای هاشمی، سرمایه گذاران از اقتصاددانان و مشاوران اقتصادی می پرسیدند اگر در استان سیستان و بلوچستان کارخانه بزنیم، می توانیم وام با بهره پایین بگیریم یا خیر؟ در دوران آقای خاتمی سوال این بود که می خواهیم در استان های کلان شهر سرمایه گذاری کنیم اما وام در استان های کمپروخورا تر، بهتر است. چه کاری انجام دهیم بهتر است؟ در دوران آقای احمدی نژاد سوال این بود که می خواهیم سرمایه گذاری کنیم، دلار بخرم یا سکه و طلا؟ در دولت آقای روحانی سوال این بود که پول های خود را به کدام کشور ببرم که بهتر باشد؟ ارمنستان یا ترکیه و امارات؟ در دولت سیزدهم سوال تبدیل به این شد که من کجا مهاجرت کنم و پول های خود را سرمایه گذاری کنم؟ حالا در این دولت چهاردهم ورت چنین مسیر تاریخی است و مقصر البته هیچ یک از این دولت ها نیستند و این روندی از تاریخ است؛ چرا که بسیاری از شاخص ها رو به نزول است. حالا سوال این شده که من بروم و پول هم ببرم؟